

## تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به جمهوری اسلامی ایران (۱۹۸۰-۲۰۱۴)

فاطمه محمدی<sup>۱</sup>، فرشید فرهادی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکتری روابط بین الملل، پژوهشگر و استادیار مدعو دانشگاه تهران، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران، ایران

---

### چکیده

هدف پژوهش پیش‌رو بررسی علل تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران است. سؤال پژوهش به این صورت است که چه عواملی باعث تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۸۰ میلادی تاکنون شده است؟ از آنجا که بر پایه تئوری موازنه تهدید استغن والت آنچه در روابط میان دولتها حائز اهمیت است برداشت و درک آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است می‌توان گفت با توجه به گفتمانهای حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رویکرد آنها نسبت به اهداف فراملی انقلاب اسلامی ایران مانند صدور انقلاب اسلامی، حمایت از مستضعفان و کمک به جنبش‌های آزادیبخش و با افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه سبب مطرح شدن ایران به عنوان یک تهدید امنیتی در برداشت و ادراک عربستان سعودی از ایران انقلابی شده است. نتیجه کار تأیید فرضیه پژوهش بوده است چرا که تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران نه ناشی از اقدامات تهدید آمیز ایران بلکه ناشی از برداشت های عربستان از ایران به عنوان یک تهدید بوده است. روش آزمون پژوهش حاضر روش تاریخی \_ تطبیقی است.

**واژه‌های کلیدی:** سیاست خارجی، ایران، عربستان سعودی، گفتمان، موازنه تهدید.

---

## ۱- مقدمه

عربستان سعودی بعد از جنگ جهانی اول و سقوط امپراتوری عثمانی از استیلای این قدرت رهایی یافت و با کمک بریتانیا موفق به استقلال خود شد. با اکتشاف نفت در سال ۱۹۳۳ توسط زمین شناسان آمریکایی در شرق شبه جزیره عربستان، اوضاع در این منطقه جغرافیایی دگرگون شد. روابط ایران و عربستان از آغاز تا پایان حکومت پهلوی فراوانی را طی کرده است. دو کشور در مسیر روابط خود گاه بر سر مسائل منطقه‌ای و مسائل فرهنگی و مذهبی در برابر یکدیگر ایستاده‌اند و گاه نیز بر سر منافع مشترک با هم همکاری کرده‌اند. دامنهٔ اختلاف بر سر مسائل فرهنگی و سیاسی گاه به آن حد رسیده است که دو کشور به ناچار با یکدیگر قطع ارتباط کرده‌اند (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۵)؛ بنابراین، ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر مهم منطقهٔ غرب آسیا گاه مکمل، گاه رقیب، گاه تعارض و گاه تضاد داشته‌اند (هراتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۰). روابط امنیتی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و اجتماعی کشورها متأثر از سیاست خارجی کشورها نسبت به یکدیگر است (هادیان، ۱۳۸۵: ۸۰) این مهم در مورد ایران و عربستان سعودی به عنوان کشورهای همجوار از نظر جغرافیایی که غالباً مناطق ارتباط سیاسی دو جانبه را شکل می‌دهند، سیاست خارجی آنها به شدت از یکدیگر تأثیر می‌پذیرد. این تأثیر پذیری به ویژه بر اساس اندازه‌های طبیعی و سطح چسپندگی، ماهیت ارتباط بین این دو کشور و ساختار روابط میان آنها است (حافظ نیا و ابراهیم، ۱۳۸۴: ۶۷).

ایران و عربستان، دو کشور مهم و تأثیر گذار حوزه خلیج فارس و منطقه ژئواستراتژیک غرب آسیا محسوب می‌شوند. این دو کشور با دارا بودن ذخایر عظیم هیدرو کربنی و موقعیت استراتژیک در منطقه از اهمیت زیادی برخوردارند. از سوی دیگر تمرکز قدرت دو گروه اصلی مسلمانان یعنی شیعیان و اهل سنت در دو کشور ایران و عربستان این کشورها را به دو قطب فرهنگی، فکری و مذهبی در جهان اسلام تبدیل کرده است. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دو کشور ایران و عربستان دو ستون دکتربین نیکسون را تشکیل می‌دادند که از سوی آمریکا به منظور تأمین امنیت منطقه در راستای منافع غرب تدوین شده بود ایران به عنوان ستون سیاسی نظامی با در اختیار گرفتن پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی روز و حمایت‌های سیاسی و نظامی، ژاندارم آمریکا و حافظ منافع غرب و خط مقدم مقابله با جبهه کمونیسم شناخته می‌شد و عربستان به دلیل برخورداری از درآمدهای بالای نفتی نقش ستون اقتصادی مالی دکتربین امنیت دو ستونی نیکسون را ایفا می‌کرد (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۱۷).

عربستان سعودی به عنوان یکی از بازیگران اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که دارای تأثیرگذاری‌های قابل توجهی در عرصهٔ تحولات منطقه‌ای است. از این منظر نمی‌توان واقعیت‌های مربوط به عناصر قدرت را نادیده گرفت. عربستان به دلیل وسعت سرزمینی، منابع عظیم نفتی، موقعیت ژئوپلیتیک و شهرهای مقدس مکه و مدینه و ادعای آن کشور در خصوص رهبری جهان عرب، جهان اسلام و پیوندهای راهبردی با غرب و به ویژه آمریکا به صورت طبیعی، به عنوان رقیب منطقه‌ای عمده برای ایران محسوب می‌شود. (ذاکر اردکانی، ۱۳۹۰: ۶۰).

عربستان از ۱۹۸۰ میلادی تا کنون طیف گسترده‌ای از اقدامات خصمانه را برای مقابله با ایران به انجام رسانده است منجمله تشکیل ((شورای همکاری خلیج فارس)) و تأکید بر امنیت جمعی کشورهای عضو برای مقابله با ایران در منطقه، اتخاذ سیاست اتحاد و ائتلاف با آمریکا و برقراری سیستم دفاعی دریایی و هوایی مشترک با آن کشور، افزایش خرید تسلیحاتی و برگزاری مانورهای نظامی مشترک با دیگر کشورها، حمایت گسترده سیاسی، اقتصادی و نظامی از عراق در جنگ با ایران، اتخاذ دیپلماسی ضد ایرانی در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، اتخاذ سیاست نفتی مواجهه جویانه، قتل عام بیش از چهارصد زائر ایرانی در مراسم حج سال ۱۳۶۶ و قطع روابط دیپلماتیک با ایران در همان سال، حمایت از مواضع امارات در قضیه جزایر سه گانه، اتخاذ مواضع خصمانه در قبال برنامه هسته‌ای ایران، حمایت از تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران و رقابت و مخالفت با سیاست‌های منطقه‌ای ایران (منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۷۸).

در خصوص پرونده هسته‌ای ایران نگرانی اصلی عربستان از سال ۲۰۰۳ با آشکار شدن برنامه هسته‌ای ایران آغاز گردید. عربستان سعودی بر این باور است که فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پوششی برای ساخت تسلیحات هسته‌ای

محسوب می‌گردد. عربستان بارها همراه با سایر کشورهای عربی اعلان نموده است که برنامه هسته‌ای ایران بقای کشورهای منطقه را با خطر جدی مواجه خواهد کرد. عربستان در این راستا همراه با سایر کشورهای عربی به دنبال افزایش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران هستند. عربستان سعودی از جمله کشورهایی بود که برای فرستان پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت اقدامات گسترده‌ای را انجام داد و خواهان اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی بر ایران شد. سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان، در راستای نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران و تلاش برای متوقف کردن آن در سال ۲۰۰۷ طرحی را ارائه نمود که در قالب آن ایران همراه با سایر کشورهای عربی یک کنسرسیوم بین‌المللی برای تولید اورانیوم ایجاد نمایند (ترابی، ۱۳۹۱: ۱۶).

این کشور در اوایل دهه هشتاد، برای مقابله با نفوذ ایران با نفوذ مالی و فکری خود در مدارس مذهبی پاکستان، از مواضع خشونت طلبانه این مدارس نسبت به ایران حمایت کرده است که با توجه به قدرت روزافزون این گونه مدارس، در این سالها شاهد افزایش موج خشونت تروریستی برای مقابله با ایران در منطقه بوده‌ایم. در نتیجه به نظر می‌رسد با ادامه فعالیت گروههای تروریستی در منطقه خاورمیانه کشوری که طی این فرآیند بیش از بقیه کشورها متضرر می‌شود ایران باشد چرا که با ادامه فعالیت آنها نتیجه آن تلقی دین اسلام به عنوان دین ترور، خشونت، ارباب، خفقان و ظاهربینی است و در نتیجه خنثی شدن تلاش جنبش‌های اسلامی و دوستداران اسلام است (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۵۱). در واقع حملات انتحاری تروریستی جدید در جنوب شرق کشور نشان دهنده تغییر خشونت‌های بی هدف اشرار و قاچاقچیان به اهداف مذهبی و اعتقادی تروریست‌ها است که از سوی مدارس دینی پاکستان و عربستان تغذیه می‌شوند. از دیگر تهدیدات گروههای تروریستی نسبت به منافع ملی ایران می‌توان با توجه به هم‌مرزی و نزدیکی ایران با پاکستان و افغانستان قاچاق مواد مخدر است که این ایران را درگیر هزینه‌های هنگفت برای کنترل مرزهای شرقی خود کرده است. همچنین اولین و مهمترین ضربه چنین وضعی متوجه سیاست تنش زدایی ایران در منطقه است و بیش از همه به قدرت بازیگری و نقش آفرینی منطقه‌ای ایران لطمه می‌زند. (ایزدی، دبیری، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۸).

به طور کلی، در طول ۳۷ سال گذشته برخلاف دوره حکومت محمد رضا شاه، دولت عربستان سیاست خارجی خصمانه‌ای در قبال ایران اتخاذ کرده است. با توجه به آنچه گفته شد سؤال این است که چه عواملی باعث تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران از ۱۹۸۰ میلادی تاکنون شده است؟ چرا از ۱۹۸۰ تا کنون عربستان سیاست خارجی خصمانه-ای در قبال ایران اتخاذ کرده است؟

## ۲- مدل و فرضیه‌های تحقیق

در تحقیق حاضر "تهدید" به عنوان متغیر مستقل، "و" تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی" به عنوان متغیر وابسته بکار رفته است. تحقیق حاضر قصد دارد به بررسی فرضیه زیر با توجه به گفتمانهای مختلف حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بپردازد:

**فرضیه:** فرضیه این پژوهش آن است که بر پایه تئوری موازنه تهدید استفن والت از آنجا که آنچه که در روابط میان دولتها حائز اهمیت است برداشت و درک آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است می‌توان گفت با توجه به گفتمانهای حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رویکرد آنها نسبت به اهداف فراملی انقلاب اسلامی ایران مانند صدور انقلاب اسلامی، حمایت از مستضعفان و کمک به جنبش‌های آزادیبخش و با افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه سبب مطرح شدن ایران به عنوان یک تهدید امنیتی در برداشت و ادراک عربستان سعودی از ایران انقلابی شده است. تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران نه ناشی از اقدامات تهدیدآمیز ایران بلکه ناشی از برداشت‌های عربستان از ایران به عنوان یک تهدید بوده است. در موازنه تهدید برخلاف موازنه قدرت، در روابط میان دولتها آنچه اهمیت دارد برداشت دولتها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرفاً میزان قدرت هریک از دولتها بنابراین، صرف قدرت متغیر تعیین کننده برای موازنه نمی‌باشد بلکه برداشت دولتها از یکدیگر به عنوان تهدید مهم است (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

تهدید امنیتی، در عرصه سیاست و روابط بین‌المللی، عبارت است از هرگونه قصد، نیت حادثه و اقداماتی که ثبات سیاسی و اقتصادی و منافع حیاتی و امنیت ملی یک کشور را، در معرض خطر جدی قرار بدهد (نباتی، ۱۳۸۹: ۲۶). برای شناخت بیشتر سیاست خارجی عربستان سعودی به مهمترین اهداف و مبانی سیاست خارجی این کشور می‌پردازیم. سیاست خارجی عربستان سعودی دارای چهار هدف اصلی موازنه منطقه‌ای، تأکید بر رهبری جهان اسلام، مخالفت و مبارزه با کانون‌های انقلابی در منطقه و ترویج آیین وهابیت است. به طور کلی مبانی سیاست خارجی عربستان سعودی، بر پایه حفظ روابط دوستانه با غرب شکل گرفته است. عربستان همواره تلاش کرده است در سیاست خارجی خود رویکردی دوگانه را حفظ کند و به همین دلیل این کشور به صورت همزمان دو نقش متعارض را ایفا می‌کند: رهبری جهان اسلام، دوست و متحد غرب (کوهکن، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

### ۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این موضوع بدین جهت است که عربستان، در این سالها کوشیده است با به آشوب کشاندن و بی ثبات کردن منطقه، آمریکا را بیشتر به سوی مسائل امنیتی منطقه بکشاند تا چشم از مسائلی همچون گسترش دموکراسی و اصلاحات در کشورهای منطقه بردارد. همزمان، عربستان بر آن بوده است که با انداختن گناه این درگیری‌ها و بی ثباتی‌ها به گردن ایران و گروه‌های شیعی، به آمریکا القا کند که مشکلات منطقه، نه از سنی‌ها و حکومت‌های خودکامه در سرزمین‌های عربی که از ایران و شیعیان و گرایش قدرت طلبانه آنها مایه می‌گیرد.

### ۴- چهارچوب مفهومی

با عدم تحقق فرضیه موازنه قوا پس از جنگ سرد در نظام بین‌الملل، استفن والت یکی از دانشجویان برجسته والتس، نظریه موازنه تهدید را ارائه کرد. دولتها در برابر تمامی توانمندی‌های خارجی دست به موازنه نمی‌زنند بلکه در برابر تهدیدات که هم برحسب توانمندی و هم نیت تعریف می‌شود دست به موازنه می‌زنند (مشیرزاده و طالبی آرانی، ۱۳۹۱: ۶۹). استفن والت نظریه موازنه تهدید را به عنوان فرمول بندی نوینی از نظریه موازنه قدرت والتز ارائه کرده است. به باور والت دولتها در درجه اول نگران امنیت خویش‌اند. والت با این پرسش آغاز می‌کند که امنیت در برابر چه چیزی؟ وی براین باور است که امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت طرح شود در برابر تهدید طرح می‌شود. والت در نقد والتز از تمایز بین قدرت و تهدید بهره می‌گیرد (والت، ۲۰۰۸).

به باور والت تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولتها قرار دارد و بر این اساس دولتها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند بلکه از دولتی می‌ترسند که بیش از سایر دولتها تهدیدآمیز جلوه کند. تهدید به نوبه خود، تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی‌های تهاجمی، نیت و مقاصد تجاوزگرایانه و مجموع قدرت یک دولت است. درک نیت و مقاصد واقعی دولتها دشوار است، بعلاوه نیت و مقاصد دولتها ممکن است که تغییر کند (والت، ۱۹۸۷). منظور او این است که آنچه در روابط میان دولتها حائز اهمیت است برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. دولتها در برابر آن دسته از دولتهایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها باشد. امنیت در شرایطی در نظام افزایش خواهد یافت که ایجاد موازنه به هنجار بدل شده باشد، ایدئولوژی تأثیر زیادی نداشته باشد و یا اغلب عامل تفرقه باشد و کمک و نفوذ بیگانه علل نسبتاً ضعیفی در شکل‌گیری ائتلافها باشند. در برابر قدرت تهدیدگر اغلب سیاست موازنه پیش گرفته می‌شود که به معنای اتحاد دولتها در مقابل دولتی است که آنها را تهدید می‌کند. هر قدر دولتها قوی تر باشند و یا احتمال جلب حمایت دیگر متحدان خود را بیشتر بدانند و هر قدر که دولت مقابل تجاوزکارتر تلقی شود، احتمال اینکه سیاست موازنه را در پیش گیرند بیشتر می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

پس دولتها علیه تهدیدآمیزترین دولت است که دست به اتحاد می‌زنند و از ثبات سیاسی و تمامیت سرزمینی دولتی حمایت می‌کنند که آنها را در مواجهه با تهدیدات بیرونی یاری رساند. به طور کلی به باور والت دولتها هنگامی که با یک تهدید برجسته

قریب الوقوع مواجه می‌شوند، دو استراتژی کلان پیش رو دارند. آنها یا استراتژی موازنه را بر می‌گزینند یا اینکه ناگزیر از اتخاذ استراتژی دنباله‌روی حمایت می‌کنند. موازنه به معنای اتحاد و ائتلاف با دیگران علیه دولت است و دنباله‌روی به معنای پیوستن دولت تهدید شده به مرجع خطر است.

والت معتقد است که تهدید ترکیب و آمیزه‌ای از چهار عنصر است: مجموع قدرت یک کشور، مجاورت جغرافیایی، قابلیت‌های تهاجمی و آفندی و نیت تهاجمی و ستیزه جویان رهبران و تصمیم گیرندگان یک کشور تأثیرگذار هستند. نوسانات این چهار متغیر دولتها را به احتمال زیاد به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای سوق می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۳۴). در خصوص متغیر قدرت توضیح می‌دهد که دولت‌های قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید محسوب می‌شوند؛ زیرا نمی‌توان تضمینی در برابر نحوه استفاده آنها از قدرت‌شان داشت. به موازات افزایش قدرت آنها، دیگران در مورد احتمال سوء استفاده آنها از قدرت‌شان نگران خواهند شد. بر این اساس، افزایش قدرت یک دولت به افزایش تهدید از سوی دیگران و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای، می‌انجامد؛ از این‌رو والت قدرت را یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری موازنه می‌داند ولی نه تنها عامل. در خصوص متغیر دوم مجاورت جغرافیایی به باور والت کشورها تهدید را هر اندازه که نزدیک‌تر باشد، به شکل بیشتر و بهتری درک می‌کنند. پس هرچه فاصله جغرافیایی دولتها نزدیکتر باشد نسبت به یکدیگر تهدیدزاتر خواهند بود برعکس هرچه فاصله بیشتر باشد تهدید و ترس آنها از یکدیگر کمتر خواهد بود (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳)؛ بنابراین، بین اتخاذ اقدامات موازنه و دوری و نزدیکی کشورها به یکدیگر رابطه مستقیمی وجود دارد به صورتی که در صورت همجواری جغرافیایی با افزایش تهدید دولتها به اتخاذ اقدامات موازنه‌ای مبادرت خواهند ورزید برعکس با افزایش فاصله جغرافیایی و کاهش تهدید احتمال اتخاذ اقدامات موازنه‌ای کمتر خواهد شد.

در خصوص متغیر سوم یعنی قدرت تهاجمی دولتها نیز والت معتقد است در صورت ثابت ماندن دیگر متغیرها، دستیابی دولتها به توانایی نظامی ویژه یا توانایی سیاسی خاص، مانند ایدئولوژی دامن‌گستر آنها را تهدیدزاتر خواهد کرد و در نتیجه دولت‌های قدرتمند دیگر را با مخاطره مواجه می‌کند که پیامد آن احتمالاً اتخاذ اقدامات موازنه بخشی از سوی دولت‌های قدرتمند است (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴) در نهایت چهارمین متغیر تأثیرگذار در ایجاد موازنه، نیت تهاجمی دولتها است. در این رابطه باید گفت دولتها نمی‌توانند از نیت واقعی یکدیگر مطمئن شوند و به وضوح بین سیاست‌های آفندی و پدافندی یکدیگر تمیز قائل شوند (جانسیز، ۱۳۹۳: ۶۹). پس بنابه این متغیر هرچه از نظر کشورها نیت تهاجمی قدرتی آشکارتر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که آنها به موازنه روی آورند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۵)

از چشم‌انداز رئالیستی، غرب آسیا یک سیستم منطقه‌ای آنارشیک است که بر اساس قواعد رئالیستی سیاست قدرت کار می‌کند و انگیزش بقا در این سیستم منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را به عنوان دو عضو سیستم منطقه‌ای غرب آسیا ناگزیر از جستجوی قدرت و نفوذ کرده است. از ۱۹۸۰ بعد شاهد قدرت و نفوذ بیشتر ایران در منطقه غرب آسیا هستیم که این عربستان را به شدت درگیر یک دغدغه امنیتی از جانب ایران کرده است. با توجه به آنچه گفته شد، در این تحقیق علت تغییر و تحول در سیاست خارجی عربستان سعودی، نسبت به جمهوری اسلامی ایران را بر پایه افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا و به تبع آن مطرح شدن ایران به عنوان یک تهدید امنیتی در برداشت و ادراک رهبران عربستان از ایران است.

## ۵- ادبیات تحقیق

در راستای پاسخ به پرسش اصلی، می‌توان به دو گروه از ادبیات در حوزه روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای اشاره داشت: گروه اول، به آثار نویسندگانی اختصاص دارد که با تأکید بر عوامل مادی این عوامل را سبب تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌دانند.

آقای آریل جاهنر تلاش ایران و عربستان را برای دستیابی به قدرت و نفوذ بیشتر در منطقه خلیج فارس به عنوان عامل اساسی در روابط دو کشور می‌داند (جاهنر، ۲۰۱۲). الوندی عنصر اساسی در روابط ایران و عربستان را تلقی دو کشور از خود به عنوان

دو قدرت بزرگ منطقه و مسائل فرهنگی مطرح بین دو کشور می‌داند (الوندی، ۲۰۱۲). حافظ نیا در مقاله "تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس" این فرضیه را مطرح می‌کند که مداخلات قدرت‌های بزرگ در منطقه، دیدگاه‌های ایران در مورد عدم مخالفت قدرت‌های بزرگ در منطقه و نقطه نظر عربستان سعودی را که در جستجوی امنیت منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس از طریق قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است را علت تغییر و تحول در روابط ایران و عربستان می‌داند (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱).

شهرام چوبین پس از بررسی رابطه ایران و عربستان چهار عامل توازن نظامی، برداشت از تهیدید نظامی، رقابت ایدئولوژیک در مورد مسائل اسلامی و تفاوت‌های اقتصادی را در روابط ایران و عربستان در نظر می‌گیرد (چوبین، ۱۹۹۶) کوهکن و تجری در مقاله‌ای تحت عنوان "بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی" ضمن بررسی سیاست خارجی عربستان تلاش عربستان سعودی برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود را علت ورود عربستان سعودی به بحران سوریه و تغییر و تحول سیاست خارجی این کشور نسبت به ایران می‌داند (کوهکن و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

داوود آقایی در مقاله "روابط ایران و عربستان چالش‌های بنیادین و امکانات پیش‌رو" علل تغییر و تحول روابط دو کشور و چالش‌های دو کشور را این می‌داند که دو کشور یکدیگر را به چشم رقیب می‌نگریسته‌اند. رقابت دو کشور در خلیج فارس، غرب آسیا، جهان عرب و اسلام و حتی در صحنه بین‌المللی از عوامل تعارض و چالش‌های پیش روی دو کشور است که باعث تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران نیز شده است (آقایی، ۱۳۸۹: ۱۶).

گروه دوم، به آثار نویسندگانی اختصاص دارد که با تأکید بر عوامل غیر مادی این عوامل را سبب تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران می‌دانند.

رضا اختیاری امیری و همکاران مسائل ایدئولوژیک را به عنوان عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی دو کشور نسبت به یکدیگر می‌دانند (اختیاری و همکاران، ۲۰۱۱)

محمود واعظی در مقاله‌ای تحت عنوان "روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل" عوامل غیرمادی همچون تقابل و ضدیت ایدئولوژی شیعی و وهابیت را از چالش‌های پیش‌روی بهبودی روابط دو کشور می‌داند و از دو کشور می‌خواهد که به کنترل فعالیت‌های ضد شیعی و ضد سنی بپردازند (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۸).

محمد موسوی در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر مسایل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران" علل تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران را در واقع مسائلی چون مذهب سنی و وهابیت، رهبری جهان اسلام را سبب تقابل ایدئولوژیک عربستان نسبت به ایران و اتخاذ سیاست خصمانه از سوی این کشور نسبت به ایران می‌داند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱).

آقای حسن شاهرودی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "تأثیر تقابل ایدئولوژیک روابط سیاسی ایران و عربستان از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴" ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران را موجب سلب امنیت وجودی عربستان سعودی می‌داند و تقابل و تعارض ((وهابیت در مقابل تشیع)) و ((عربیت در مقابل عجم)) به عنوان دو هویت متعارض، زمینه ساز ایجاد سیاست خارجی تقابل‌گرایانه بین دو کشور را فراهم نموده است (شاهرودی، ۱۳۹۳: ۷).

دکتر محمد منصوری مقدم در مقاله "مؤلفه هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران" مهمترین علت تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران و اتخاذ سیاست‌های خصمانه از سوی عربستان را اداراکات و برداشت‌های هویت بنیان عربستان سعودی می‌داند و مهمترین یافته مقاله، نقش تعیین‌کننده مؤلفه‌های هویت، انگاره‌ها، هنجارها و قواعد ناشی از آن به عنوان عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران است (منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۷۸).

به طور کلی در بررسی ادبیات پژوهشی موجود در زمینه تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران دو گروه کلی ادبیات پژوهشی وجود دارد گروه اول با تأکید بر عوامل مادی این عوامل را سبب تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران می‌داند از سوی دیگر گروه دوم عوامل غیر مادی همچون مسائل ایدئولوژیک، ارزشها، هنجارها

و هویت متعارض را سبب تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران می‌دانند؛ بنابراین، هیچ کدام از این دو گروه جواب سؤال این پژوهش را نمی‌دهند و ما برای پاسخ دادن به سؤال این پژوهش تحقیق خود را ادامه می‌دهیم. رویکرد این پژوهش تلفیق دو طیف (مادی و غیر مادی) با تکیه بر مفهوم تهدید است. اینکه هر زمان که برداشتی تهدیدآمیز مطرح شده است چه از جانب عوامل مادی و چه از جانب عوامل غیر مادی باعث تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران شده است. به طور کلی صرف عوامل مادی و غیر مادی به تنهایی باعث تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران نمی‌شوند بلکه با تکیه بر تئوری موازنه تهدید استغن‌والت هر کدام از این عوامل (مادی و غیر مادی) زمانی که باعث برداشت و ادراکی تهدیدزا از ایران شوند باعث تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران خواهند شد.

#### ۶- روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش، تاریخی \_ تطبیقی است این روش حساسیت به بسترهای تاریخی یا فرهنگی با تعمیم نظری را ترکیب می‌کند. روش تاریخی \_ تطبیقی مبتنی بر داده‌های تاریخی معتبر است به این صورت که با بررسی تاریخی، استفاده از داده‌های تاریخی معتبر و یک دوره بندی تاریخی به آزمون فرضیه پژوهش با کمک داده‌های تاریخی در دوره‌های تاریخی خواهیم پرداخت (نیومن، ۱۳۹۴: ۴۰۶).

بر اساس، روش تاریخی \_ تطبیقی با توجه به گفتمانهای حاکم بر سیاست خارجی ایران از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ میلادی یعنی گفتمانهای ملی‌گرایی لیبرال، آرمان‌گرایی امت‌محور، واقع‌گرایی اسلامی، مصلحت‌گرایی مرکز محور، صلح‌گرایی مردم سالار و اصول‌گرایی عدالت محور به بررسی برداشت و ادراک عربستان سعودی در هر کدام از گفتمانهای ذکر شده در دوره‌های تاریخی مختلف از ایران و به تبع آن تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان در قبال ایران می‌پردازیم.

در گفتمان ملی‌گرایی لیبرال انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب ملی تعریف می‌کند و انقلاب ایران بر خلاف یک انقلاب فراملی متعلق به یک ملت خاص است که آرمانها و اهداف آن در چارچوب مرزهای جغرافیایی ایران تعریف می‌شود و انقلاب اسلامی اهدافی در خصوص سایر کشورها ندارد با توجه به این رویکرد در زمان تسلط گفتمان ملی‌گرایی برداشت و ادراک عربستان سعودی از ایران برداشتی مسالمت آمیز بود بر همین اساس روابط میان ایران و عربستان سعودی مسالمت آمیز بود و حتی عربستان سعودی از اولین کشورهایی بود که انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و هیأتی بلندپایه را نیز روانه تهران کرد (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۶)؛ اما در دوره تسلط گفتمان اسلام‌گرای انقلابی با اتخاذ مواضع انقلابی مانند حمایت از جنبش‌های آزادی بخش، حمایت از مستضعفان و صدور انقلاب اسلامی، ایران به عنوان یک تهدید امنیتی در برداشت و ادراک عربستان سعودی از ایران مطرح شد و به تبع آن سیاست خارجی این کشور نیز نسبت به ایران دچار تغییر و تحول شد و سیاست خصمانه‌ای را در قبال ایران اتخاذ کرد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶).

در خرده گفتمانهای منشعب از گفتمان اسلام‌گرای انقلابی نیز با افزایش یا کاهش برداشت تهدیدآمیز از ایران از سوی عربستان سعودی شاهد تغییر و تحول در سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران هستیم. در خرده گفتمان واقع‌گرایی اسلامی که همزمان با ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی است با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی از سوی ایران و کاهش برداشت توأم با تهدید از ایران از سوی عربستان شاهد روابط مسالمت‌آمیز میان دو کشور هستیم (نبوی، ۱۳۸۳: ۱۶۵). در دوره گفتمان صلح-گرایی مردم سالار نیز با ادامه سیاست تنش‌زدایی و رابطه مسالمت با همسایگان از سوی ایران سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران با وجود فراز و نشیب‌های فراوان مسالمت آمیز بود (اسدی، ۱۳۷۹: ۱۰۷)؛ اما در دوره گفتمان اصول-گرایی عدالت محور با اتخاذ دوباره مواضع انقلابی از سوی ایران و افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه رهبران عربستان سعودی را به شدت در اندیشه سقوط و فروپاشی فرو برده است و شاهد افزایش برداشت تهدیدآمیز از ایران در بالاترین سطح ممکن هستیم که به تبع آن سیاست خارجی این کشور نیز در قبال ایران دوباره تغییر پیدا کرد (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

## ۷\_ روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات نیز استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، با اولویت قرار دادن منابع آکادمیک، به کتب و مقالات دسته اول مرتبط با موضوع پژوهش رجوع خواهد شد. در ادامه به بررسی اهداف فراملی انقلاب اسلامی در گفتمانهای مختلف حاکم بر سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف و تأثیر آن بر تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران می‌پردازیم.

### دوره اول: گفتمان ملی‌گرایی لیبرال (۱۳۵۷-۱۳۶۰)

#### رویکرد نسبت به اهداف فراملی انقلاب اسلامی

در این دوره با بررسی سیاست خارجی دولت موقت در قبال عربستان سعودی به دنبال بررسی تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران در سالهای اول انقلاب ایران هستیم. در ابتدا به بررسی گفتمان ملی‌گرایی و اصول سیاست خارجی آن می‌پردازیم.

این گفتمان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ بر سیاست خارجی ایران حاکمیت نسبی یافت. این گفتمان در چارچوب سیاست عرفی، ملی‌گرایی، دموکراسی و لیبرالیسم به مفصل‌بندی مفاهیم محوری سیاست خارجی ایران پرداخت. در این گفتمان این ملت ایران است که اصالت و اولویت دارد نه امت اسلام یا هر واحد سیاسی فراملی یا فروملی دیگر. در این گفتمان نقش‌هایی چون ((دولت لیبرال))، ((دولت سرمشق))، ((دولت بی طرف))، ((دولت مستقل فعال)) و ((دولت غیرمتعهد)) برای ایران تعیین می‌شود. در این گفتمان اهداف و منافع ملی نیز ماهیتی ملی و سرزمینی دارد و اصل بنیادین و چراغ راهنمای سیاست خارجی آن نیز منافع ملی است. این گفتمان انقلاب اسلامی را نیز یک انقلاب ملی تعریف و تلقی می‌کند. انقلاب ایران اهداف فراملی ندارد و متعلق به ملت ایران می‌باشد و آرمانها و اهداف خود را در قلمرو جغرافیایی و سرزمینی ایران تعریف و تعقیب می‌کند. در این گفتمان رویکردی محافظه‌کارانه مبتنی بر حفظ وضع و نظم موجود دارد، چون نه منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک برای سیاست خارجی ایران قائل می‌باشد و نه اهداف فراملی برای انقلاب اسلامی متصور است (دهقانی فیروزآبادی، ۸۹: ۲۰۵). به طور کلی، سیاست خارجی دولت مهدی بازرگان بر پایه انگاره‌های هویتی \_ معنایی نخبگان اسلام‌گرای لیبرال تکوین یافت. بازرگان بر پایان یافتن کردار و گفتار انقلابی و آغاز رفتار سیاسی مبتنی بر اصول جمهوریت و تکثرگرایی در سپهر سیاسی \_ اجتماعی ایران پسا انقلاب، تأکید داشت (کریمی فرد، ۱۳۹۴: ۷۷).

#### سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران

بسیاری از نقش‌های ملی که توسط دیگران ارائه می‌شده و غالباً دارای جنبه ایدئولوژیک بوده، مورد قبول دولت موقت نبوده؛ از جمله صدور انقلاب و حامی جنبش‌های آزادی بخش؛ برای مثال ابراهیم یزدی، وزیر خارجه وقت دولت موقت پس از کریم سنجایی اعلام نمود که:

((ما قصد صدور انقلاب را نداریم)) (نهضت آزادی، ۱۳۶۱، ۲۷).

در این دوره عربستان به صف دیگر کشورها پیوست و انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. حکومت عربستان سعودی برای تریک پیروزی انقلاب اسلامی ایران هیأتی بلند پایه به سرپرستی دبیر کل ((رابطة العالم الاسلامیه)) به ایران فرستاد. ملک خالد پادشاه عربستان در اولین عکس العمل خود برپایی حکومت اسلامی در ایران را مقدمه نزدیکی و تفاهم هرچه بیشتر دو کشور خواند و فهد ولید نیز گفت:

((برای رهبری انقلاب ایران احترام زیادی قائل هستیم))

عربستان در این دوره سیاست احتیاط و سکوت را نسبت به انقلاب اسلامی ایران را در پیش گرفت و روابط دو کشور نیز در این دوره از سیر عادی برخوردار بود (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

بنابراین، در دوره حکومت موقت به دلیل اینکه حکومت اهدافی فراملی همچون صدور انقلاب به کشورهای همسایه را برای انقلاب اسلامی ایران متصور نبود و اهداف و آرمان‌های انقلاب را در قلمرو جغرافیایی ایران دنبال می‌کرد حکومت محافظه‌کار



عربستان سعودی برداشت و ادراکی توأم با تهدید را از اجانب انقلاب اسلامی ایران احساس نمی‌کرد و همانطور که گفته شد حکومت عربستان سعودی به صف دیگر کشورها پیوست و انقلاب ایران را به رسمیت شناخت و حتی رهبران سعودی تشکیل حکومت اسلامی در ایران را مقدمه نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور می‌دانستند. به طور کلی، در دوره حکومت موقت به دلیل اصول حاکم بر سیاست خارجی حکومت، همچون عدم صدور انقلاب، ایران، برداشتی تهدیدآمیز از ایران برای عربستان وجود نداشت و بنابراین روابط دو کشور از سیر عادی برخوردار بود.

### دوره دوم: گفتمان آرمان‌گرایی امت محور (۱۳۶۰-۱۳۶۳)

#### رویکرد نسبت به اهداف فراملی انقلاب اسلامی

در این دوره به بررسی گفتمان آرمان‌گرایی امت محور که از ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ به عنوان پادگفتمان در کنار گفتمان ملی-گرای لیبرال حضور داشت و در سال ۱۳۶۳ به منزلت هژمونیک نسبی رسید می‌پردازیم و با بررسی اصول حاکم بر سیاست خارجی ایران در این دوره به دنبال بررسی تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران هستیم. این گفتمان در این دوره گفتمان غالب بر سیاست خارجی ایران بود.

در گفتمان آرمان‌گرایی امت محور بر مبنای راهبرد تهاجمی و راهکار انقلابی آرمان‌گرایی، تغییر و تحول زیربنایی ابعاد و عناصر ساختاری، هنجاری و نهادی نظام بین‌الملل موجود از مهمترین اولویت‌ها و اهداف و منافع حیاتی سیاست خارجی ایران است، پس جمهوری اسلامی ایران مؤظف است با استفاده از کلیه تواناییها و قدرت خود به صورت یکجانبه یا چند جانبه نظام بین-الملل مبتنی بر توزیع ناعادلانه و نابرابر قدرت را برهم زند. دستیابی به این تغییر ساختاری و نهادی مستلزم مبارزه بی‌امان با قطب‌های قدرت جهانی به عنوان سردمداران نظام سلطه و استکبار جهانی و حمایت همه‌جانبه از مسلمانان و مستضعفان و نهضت‌های رهایی بخش است. در چارچوب گفتمان آرمان‌گرایی، سیاست خارجی ایران نسبت به نظم موجود تجدید نظر طلب و انقلابی خواهد بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۱۴). گفتمان آرمان‌گرایی، بر خلاف گفتمان ملی‌گرایی انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب فراملی و فراسرزمینی تعریف و تصور می‌کند. اهداف فراملی انقلاب اسلامی نیز آرمانها و آماجی چون استکبارستیزی، اتحاد سیاسی جهان اسلام، جامعه جهانی اسلام صدور انقلاب، دفاع از مسلمانان و مستضعفان را در برمی‌گیرد. گفتمان آرمان‌گرایی امت محور در سال ۱۳۶۳ رواج و نفوذ بیشتری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیدا کرد و با شکل‌گیری بحران گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا، حمله نظامی رژیم بعث عراق به ایران و بالا گرفتن شور انقلابی، گفتمان آرمان‌گرایی زمینه بروز و ظهور بیشتری در سیاست خارجی ایران پیدا کرد و به منزلت هژمونیک نسبی رسید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

#### سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران

همزمان با تسلط گفتمان آرمان‌گرایی و بالا گرفتن شور انقلابی رویکرد سیاست خارجی ایران نیز در این دوره در جهت صدور انقلاب و حمایت از جنبش‌های آزادیبخش در منطقه و جهان اسلام بود در همین دوره با برگزاری اولین حج توأم با برائت از مشرکین توسط حجاج ایرانی، تأسیس دفتر جبهه آزادیبخش شبه جزیره عربستان در تهران، گردهمایی جنبش‌های آزادیبخش ترس مقامات عربستان سعودی از آنچه که تلاش ایران برای صدور انقلاب بود افزایش پیدا کرد و بتدریج مطبوعات و مقامات دو کشور مواضع تندی علیه یکدیگر اتخاذ کردند مطبوعات و روزنامه‌های ایران انتقادات و حملات شدیدی را علیه حکومت‌های مرتجع منطقه و به ویژه عربستان به عمل می‌آوردند و از نیروهای مردمی که در برخی کشورها از جمله بحرین و عربستان تحرکاتی را صورت داده بودند حمایت می‌کردند (فوییه، ۱۳۶۹: ۱۵۷).

با ریاست جمهوری محمد علی رجایی و ورود نیروهای حزب جمهوری اسلامی در دولت و عرصه تصمیم‌گیری صدور ارزشها و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران به کشورهای همسایه در اولویت سیاست خارجی ایران قرار گرفت. مرتضی مطهری به عنوان ایدئولوگ حزب حاکم، انقلاب را محدود به ایران نمی‌دانست و معتقد بود که انقلاب به تمام کشورهای اسلامی نفوذ می‌کند.

ترس و تهدید مقامات سعودی از انقلاب اسلامی ایران بعد از قیام سلفی‌های تندرو و اشغال مسجدالحرام در ۱۴۰۰ هـ ق و قیام شیعیان در منطقه ((شرقیه)) به فاصله کمی از آن، دو چندان گشت. در واقع انقلاب ایران زنگ خطری بود برای کشورهای حاشیه خلیج فارس و به خصوص عربستان سعودی که سیستم حاکمیت آنان نیز مشابه ایران قبل از انقلاب و حتی بدتر و همچون دوران‌های قرون وسطی بود به صورتی که یک فرد در رأس قدرت قرار گرفته که این فرد در مقابل چالشها و مخالفت‌های داخلی تنها متکی به قدرت‌های خارجی و به طور ویژه حمایت‌های ایالات متحده بودند. بر همین اساس سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران دچار تغییر و تحول شد و رهبران عربستان سعودی خود را برای مقابله با ایران و «صدور انقلاب» آن، آماده کردند (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۵). در همین دوره عربستان سعودی همراه با دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس در ۲۵ مه ۱۹۸۱ میلادی با هدف مقابله با آنچه که آن را خطر انقلاب اسلامی ایران می‌نامیدند، اقدام به تأسیس شورای همکاری خلیج فارس کردند در واقع، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج این کشور از اردوگاه غرب، عربستان از نظر امنیتی احساس خطر شدید می‌کرد، چرا که تلاش ایران برای صدور انقلاب خود به دیگر کشورهای منطقه باعث شکل‌گیری خیزش‌های داخلی در کشورهای منطقه و به خصوص عربستان سعودی شده بود (افراسیاب پور، ۱۳۹۳: ۱۹۴). این مسئله بی‌اعتمادی مسئولان سعودی را تشدید کرد. با تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران و انقلاب اسلامی ایران از نظر رهبران عربستان سعودی انقلاب اسلامی، نه تنها دیدگاه‌های ایران را درباره خلیج فارس و منافع این کشور در منطقه تغییر نداده است، بلکه به رغم بدنامی تمایلات ناسیونالیستی در ایران بعد از انقلاب، این کشور به طور همزمان از سیاست ناسیونالیستی \_ ایدئولوژیکی در منطقه پیروی می‌کند. در حقیقت، حکومت ایران، همانند نظام قبلی، خواهان حفظ نام تاریخی خلیج فارس، سیطره بر منطقه، رد هرگونه گروه بندی منحصرأ عربی در منطقه، نظیر شورای همکاری خلیج فارس است. ایران همچنین با توسل به مؤلفه ایدئولوژی از گروه‌های شیعی، گروه‌های مقاومت سنی و جنبش‌های انقلابی منطقه حمایت می‌کند (طبری، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

بنابراین، در دوره تسلط گفتمان آرمان‌گرایی امت محور با بالا گرفتن شور انقلابی و تلاش جمهوری اسلامی ایران برای صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای همسایه ترس و تهدید در برداشت و ادراک عربستان سعودی از جمهوری اسلامی ایران افزایش پیدا کرد و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید امنیتی در برداشت و درک مقامات عربستان سعودی مطرح شد. کشوری که با صدور انقلاب اسلامی در جهت فروپاشی عربستان سعودی است. متعاقب افزایش برداشت و درک تهدیدآمیز امنیتی از سوی عربستان سعودی نسبت به ایران سیاست خارجی این کشور نیز دچار تغییر و تحول شد و این کشور سیاستی خصمانه و تقابل‌گرایانه را در قبال ایران در پیش گرفت.

### دوره سوم مصلحت‌گرایی مرکز محور (۱۳۶۳-۱۳۶۸)

#### رویکرد نسبت به اهداف فراملی انقلاب اسلامی

در ابتدا به ذکر اهداف و نقش‌های ملی سیاست خارجی ایران بر اساس گفتمان مصلحت‌گرایی مرکز محور می‌پردازیم و سپس به تأثیر این اهداف و نقش‌ها در تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران می‌پردازیم. از منظر گفتمان مصلحت‌گرایی مرکز محور نقش‌های ملی دولت ایران، تصمیمات، تعهدات و وظایفی است که دولت باید آنها را اعمال می‌نمود و محقق می‌ساخت. آرمانها و اهدافی که در نظام انقلابی ایران ارائه شده‌اند، اصول جهانشمولی و ایدئولوژیک داشته و در تصمیمات سیاست خارجی و در چارچوب نقش‌های ملی نیز معنای خاص خود را یافت. در این دوره از نقش‌های ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران صدور انقلاب بود که پنج شاخصه برای آن متصور است که عبارتند از: سنگر انقلاب و رهایی بخش، حامی جنبش‌های رهایی بخش، مدافع ارزش‌ها و اعتقادی خاص، دولت سرمشق و حافظ منطقه (طباطبایی و جویباری، ۱۳۹۴: ۷۰). از منظر این گفتمان همانند گفتمان آرمان‌گرایی امت محور، انقلاب اسلامی ایران ماهیت، اهداف و آرمانهای فراملی دارد که فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران می‌رود. بر خلاف آرمان‌گرایی، گفتمان مصلحت‌گرایی به جای راهبرد انقلاب مستمر به راهکار و راهبرد تثبیت و تحکیم انقلاب اسلامی در درون جامعه ایران اعتقاد دارد. به طور کلی از

یک سو، بر اساس جهان شمولی اسلام و تشیع، صدور انقلاب، حمایت از مستضعفان و دفاع از حقوق مسلمانان، حمایت از نهضت‌های آزادیبخش و مبارزه با استکبار جهانی و نظام سلطه از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. از سوی دیگر تحقق و تأمین این اهداف و آرمانها باید با رعایت مصلحت اسلام و مسلمانان صورت گیرد (صدقی، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

در مورد روش‌های صدور انقلاب در این دوره بین صاحب‌نظران اختلاف بود، در حالیکه برخی مسئولین در اوایل جنگ با بهره‌گیری از شور انقلابی به صدور انقلاب از روش‌های غیر فرهنگی و استفاده از جنگ عراق و ایران برای صدور انقلاب اعتقاد داشتند، عده‌ای نیز اعتقاد به صدور فرهنگی انقلاب و ارزش‌ها داشته و هزینه‌های روش‌های غیر فرهنگی و بعضاً نظامی را بالا می‌دانستند (درویشی و صحرائیان، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

در دوران تسلط گفتمان مصلحت‌گرایی جنگ هیچ وقت باعث نشد در سیاست خارجی ایران نسبت به صدور انقلاب و بها دادن به جنبش‌های آزادیبخش غافل شود. سیاست خارجی ایران در این دوره علیرغم فشارهای بسیار زیاد جهت‌گیری سیاست خارجی ایران از اصول مبارزه با ظلم و استکبار و دفاع از حقوق مسلمین عدول نکرد.

### سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران

برآیند سیاست خارجی مواجهه جویانه ایران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس و بخصوص عربستان سعودی باعث شد این کشور در مقابله با ایران سیاست خارجی خصمانه و تقابل گرایانه‌ای را در پیش بگیرد (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۵). عربستان به دلیل نفوذ ایران انقلابی در درون حاکمیت خود با ایران انقلابی نظر و رابطه مناسبی نداشت. عربستان از رویه ایران در حمایت از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادیبخش خشمگین بود که تجلی آن را می‌توان در کمک‌های تسلیحاتی و نظامی و همچنین کمک‌های مالی به عراق در طول جنگ هشت ساله ملاحظه نمود (صور اسرافیل، ۱۹۸۹). کمک‌های نقدی عربستان به عراق در جنگ ایران و عراق دست کم بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار برآورد شده است. از دیگر کمک‌های عربستان به عراق می‌توان به در اختیار گذاشتن تعدادی از بنادر و فرودگاه‌های خود برای ترابری محموله‌های نظامی مورد نیاز ارتش عراق و همچنین استقرار هواپیماهای آواکس در خاک خود برای جاسوسی از خطوط مقدم جبهه ایران اشاره کرد. این کشور همچنین وام بدون بهره هنگفتی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار به عراق پرداخت کرد. عربستان همچنین در سال ۱۹۸۳ با کسب موافقت کویت تصمیم گرفت درآمد حاصل از فروش نفت میدان نفتی ((خفج)) را در اختیار عراق قرار دهد (سادات عظیمی، ۱۳۷۵: ۲۲۵).

در این دوره سوریه اولین و تنها کشوری که انقلاب شیعی ایران را پذیرفت و ضمن حمایت از مواضع ایران، در طول جنگ فراهم کننده تسلیحات نظامی و امنیتی برای ایران بود (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۳). به طور کلی در طول جنگ طرح شعارهایی همچون ((عبور راه قدس از کربلا)) و حتی جنگ را فرصتی برای صدور انقلاب معرفی کردن در سیاست خارجی ایران اولویت داشت که این باعث تغییر و تحول روابط و سیاست خارجی کشورهای همسایه ایران به خصوص عربستان سعودی نسبت به ایران شد به نظر می‌رسد حمایت گسترده و همه جانبه عربستان سعودی در جنگ عراق علیه ایران ناشی از ترس و تهدید آنها از صدور انقلاب اسلامی ایران بود (ذبیح، ۱۹۸۲).

بنابراین، در دوره تسلط گفتمان مصلحت‌گرایی نیز همانند گفتمان آرمان‌گرایی با اولویت قرار گرفتن صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران و به تبع آن افزایش برداشت تهدیدآمیز کشورهای همسایه ایران به خصوص عربستان سعودی این کشور سیاست خارجی خصمانه‌ای را در قبال ایران در پیش گرفت که نمود آن حمایت همه جانبه این کشور از عراق در تهاجم به ایران بود در این دوره نیز با افزایش برداشت تهدیدآمیز از ایران و ترس رهبران سعودی این کشور در سیاست خارجی خود فعال شد و به مقابله با ایران برخاست. به عبارات دیگر رابطه‌ای مستقیم میان افزایش برداشت تهدیدآمیز از ایران و تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران وجود دارد.

دوره چهارم گفتمان واقع‌گرایی اسلامی (۱۳۶۸\_۱۳۷۶)

رویکرد نسبت به اهداف فراملی انقلاب اسلامی

در این دوره به بررسی گفتمان واقع‌گرایی اسلامی که از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶ گفتمان غالب بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود می‌پردازیم و با بررسی اصول حاکم بر سیاست خارجی ایران در این دوره به دنبال بررسی تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران هستیم.

این گفتمان نیز همانند گفتمان آرمان‌گرایی و مصلحت‌گرایی انقلاب ایران را یک انقلاب فراملی با هویت و ماهیت اسلامی تعریف و تصوّر می‌کند. از منظر گفتمان واقع‌گرایی تعقیب و تحقق آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی همچون صدور انقلاب، دفاع از مسلمانان و حقوق آنان، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادیبخش، وحدت جهان اسلام، استکبار ستیزی و تلاش برای برقراری نظم و نظام مطلوب اسلامی را باید با رعایت اصول و قواعد وسیع، تدرج، اهم و مهم و ضرورت امکان‌پذیر است. اهداف و آرمانهای فراملی انقلاب اسلامی را باید برحسب اهمیت، ضرورت و فوریت اولویت بندی و درجه بندی نمود و سپس با توجه به مقدرات و امکانات ملی آنها پیگیری و تأمین کرد. بر این اساس، تحکیم و تثبیت انقلاب اسلامی در داخل و در قالب ایجاد یک دولت اسلامی توسعه یافته و سرمشق برای جوامع دیگر، اولویت نخست ایران است (طباطبایی و جویباری، ۱۳۹۴: ۷۵).

با تفوق گفتمان واقع‌گرایی در سیاست خارجی، الگوی صدور انقلاب ماهیتی شفاف‌تر و مبتنی بر صلح و به دور از تنش به خود گرفت و در آن ارائه مدلی از توسعه و پیشرفت اسلامی مد نظر قرار گرفت تا دیگر مسلمانان بتوانند از آن الگو برداری کنند. خط مشی عملی و رفتاری سیاست خارجی ایران در این دوره با توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای پرهیز از تحریک کشورهای همسایه به خصوص عربستان سعودی و عادی سازی روابط با این کشور و دیگر کشورهای همسایه بود. در این دوره، ایران برای دستیابی به اعتبار و قدرت، سیاستی عملگرا و توأم با همزیستی با دیگر کشورها و به خصوص کشورهای همسایه را دنبال کرد. سازوکارهایی مانند پذیرش نظم حاکم بر روابط بین‌الملل، احترام به قواعد و اصول بین‌المللی، تلاش در به وجود آوردن فضای همزیستی با دیگران، بالاخص همکاری و همزیستی با کشورهای همسایه منجمله عربستان سعودی در همین راستا بود (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۷). در این دوره، واقع‌گرایان با درک این واقعیت که ایران محتاج کمک‌ها و همکاری‌های بین‌المللی برای بازسازی است، سعی داشتند با تنش‌زدایی در روابط خارجی یک رابطه مسالمت‌آمیز و سالم با سایر کشورها داشته باشند.

صدور انقلاب در این دوره ماهیتی اقتصادی دارد که با همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها و ارتباط با دولتها به جای ملتها و گروه‌ها همراه شد و صدور انقلاب از طریق زور و دخالت در امور داخلی دیگران به شدت منع شد. هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، صدور انقلاب را این گونه تبیین می‌کنند:

((آنان که تصور می‌کنند ما از طریق جنگ و تجاوز انقلابمان را صادر می‌کنیم، در اشتباه هستند، بلکه چنان ما تحت شرایط موجود بتوانیم یک نوعی از توسعه متناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارائه دهیم، مدلی از توسعه، پیشرفت و تکامل و معنویات اسلامی به جهان امروز ارائه دهیم، آن‌گاه ما در آن چیزی که

دنیا از آن وحشت دارد و آن صدور انقلاب اسلامی است، توفیق یافته ایم)) (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸).

به عبارت دیگر، نه تنها صدور انقلاب اسلامی با سیاست‌های مداخله جویانه در امور دیگران و استفاده از زور و تهدید به شدت نهی شده است، بلکه تلاش می‌شود با استفاده از سیاست عادی سازی روابط و تنش‌زدایی، محیطی فراهم شود که در آن بتوان در آرامش کامل و با حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در داخل یک الگو و مدل نمونه اقتصادی ارائه داد تا سرمشقی برای دیگر کشورهای منطقه باشد (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۹). در چارچوب روابط منطقه‌ای بالاخص با کشورهای همسایه حاشیه خلیج فارس، دولت هاشمی رفسنجانی به احیای روابط و برقراری روابط حسنه اقدام کردند. به گفته حجت‌الاسلام رفسنجانی:

((نمی‌خواهیم به ژاندارم منطقه تبدیل شویم « و افزون بر آن، ایران نباید همسایگان خود را تحقیر یا مرعوب کند یا موجب شود که آنها احساس ناامنی کنند. برعکس ما همگی

باید برای ساختن منطقه خلیج فارس با همدیگر همکاری کنیم. منطقه خلیج فارس باید شبیه منطقه گرداگرد خانه، مانند یک باغچه مشترک شود)) (رمضانی، ۱۳۸۰: ۸۳).

### سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران

در این دوره در منطقه خاورمیانه ایران درصدد برقراری ارتباطات نزدیکتر و مؤثرتر با کشورهای عربی برآمد. بدون شک کسب دوستی‌ها در جهان عرب و در تمامی سطوح به عنوان ویژگی سیاست خارجی در دوران هاشمی بود. این روند به گونه‌ای التقاطی صورت گرفته است، یعنی اینکه ایران درصدد بود تا روابط خود را با تمامی کشورهای عربی، بخصوص عربستان سعودی بدون توجه به جهت‌گیری‌های آنان در حوزه سیاست خارجی مورد پیگیری قرار دهد. پس جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سیاست منطقه‌ای خود سیاست تنش‌زدایی را به مرحله اجرا گذاشت (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۰۱-۱۰۰). از جمله می‌توان به بهبود روابط ایران و عربستان سعودی و کویت و کاهش تنش در روابط ایران و عربستان پس از شرکت ولیعهد عربستان در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران و سفر ده روزه آقای رفسنجانی در اواخر ۱۳۷۶ به عربستان سعودی نام برد. (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

بهبود روابط ایران با عربستان در این مقطع در قالب اوپک نقش مهمی در قالب این سازمان ایفا کرد. نیاز دو کشور به درآمدهای نفتی بیشتر آنها را ترغیب نمود تا همکاری‌های خود را در این سازمان گسترش دهند. در این ارتباط به تبادل نظر وزرای نفت دو کشور و حمایت دو کشور از کاهش سهمیه تولید اعضا و همکاری در زمینه انتخاب دبیر کل اوپک از جمله این همکاریها بود که به تقویت بیشتر اوپک و افزایش درآمد اعضا و اتخاذ سیاست منسجم‌تر نفتی و کنترل سطح تولید در اوپک انجامید. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

بنابراین، در دوره گفتمان واقع‌گرایی اسلامی به تبع اتخاذ سیاست تنش‌زدایی از سوی ایران و تلاش برای برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای همسایه به خصوص عربستان سعودی شاهد بهبود و کاهش تنش در روابط میان ایران و عربستان سعودی هستیم؛ به عبارت دیگر، با کاهش تهدید ناشی از انقلاب اسلامی ایران در برداشت و ادراک عربستان از انقلاب ایران، این کشور راهبردی مصالحه‌جویانه را جایگزین راهبردی مقابله‌جویانه در سیاست خارجی خود نسبت به ایران می‌کند.

### دوره پنجم گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

#### رویکرد نسبت به اهداف فراملی انقلاب اسلامی

در این دوره به بررسی گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار که از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۴ گفتمان غالب بر سیاست خارجی ایران بود می‌پردازیم و با بررسی اصول حاکم بر سیاست خارجی ایران در این دوره به دنبال بررسی تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران هستیم.

از منظر گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار نیز همانند سایر خرده گفتمانهای اسلام‌گرایی، انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب ملی با اهداف و آرمان‌های داخلی جامعه و کشور ایران نیست. انقلاب اسلامی، برعکس، یک انقلاب فراملی با آماج و آرمان‌های فراسرزمینی و فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران است؛ اما گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار، همانند واقع‌گرایی، براساس مقدرات ملی و محظورات محیطی، مقتضیات زمان و مکان، قواعد و احکام ثانویه و حکومتی به رتبه بندی و اولویت بندی اهداف ملی و فراملی انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. در این گفتمان اهداف و آرمان‌های فراملی انقلاب اسلامی در قالب اهداف آرمانی و درازمدت جمهوری اسلامی تعریف می‌شوند که به تدریج و متنایب با امکانات و قدرت ملی پیگیری و تأمین می‌شوند. در این جهت تثبیت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی از طریق استقرار مردم سالاری دینی در ایران اولویت می‌یابد. صدور انقلاب در این گفتمان به معنای الگوپردازی مردم سالار از جمهوری اسلامی تعریف می‌شود. حمایت از مسلمانان، مستضعفان و نهضت‌های رهایی بخش در پشتیبانی معنوی از آنها تجلی می‌یابد (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۶۸).

#### سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران

در دوم خرداد ۱۳۷۶ با روی کار آمدن خاتمی در سیاست خارجی با طرح تز تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها در پی ارائه چهره‌ای مثبت و مسالمت‌آمیز از ایران نزد جهانیان برآمد. سیاست تنش‌زدایی خاتمی ترس همسایگان ایران منجمله عربستان سعودی را از صدور انقلاب ایران کم کرد و تفاهم بیشتر جایگزین آن شد. به طوری که بعد از پایان نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی در آذرماه ۱۳۷۶ در تهران، شرکت کنندگان در بیانیه پایانی، بر ضرورت تعامل مثبت، گفت‌وگو و تفاهم میان فرهنگها و مذاهب تأکید کردند و فرضیه برخورد و درگیری را که موجب بی‌اعتمادی و تضعیف صلح است، مردود شمردند (دبیرزاده، ۱۳۸۲: ۲۴۹). تنش‌زدایی در روابط خارجی به عنوان یکی از شعارهای سیاست خارجی دولت محمد خاتمی (آموزگار، ۲۰۰۸). موجب شد روابط ایران با یکی از کشورهای مهم عربی و اسلامی در منطقه یعنی عربستان سعودی طی دوران هشت ساله ریاست جمهوری ایشان به سطح مناسب و درخور روابط دو کشور برسد به طور کلی باید گفت انتخاب آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهوری نوگرا و اصلاح‌طلب در سال ۷۶ به مثابه کاتالیزوری در روابط ایران و عربستان عمل کرد (تاجیک و سلیمانی، ۱۳۸۱: ۱۷۸). سیاست‌های وی توانست راه‌های توسعه سریع روابط ایران با کشورهای عرب جنوب خلیج فارس و کاهش هرچه بیشتر تنش‌ها و بدبینی‌های موجود را هموار سازد. روابط ایران و عربستان در دوران آقای خاتمی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، آموزشی، اقتصادی و امنیتی توسعه یافت. بویژه با سفر آقای خاتمی و دیگر مقامات کشور از جمله دیدار وزیر دفاع از عربستان، زمینه همکاری دوجانبه و چندجانبه میان تهران-ریاض فراهم شد. حتی آنان سیاست‌های هماهنگی را در اوپک در مورد قیمت‌گذاری و تولید نفت اتخاذ کردند. از دیدگاه آنان همکاری‌های امنیتی مشترک در منطقه‌ای که حاوی حداقل ۶۰ درصد ذخایر نفتی کل جهان است به مثابه ضروری اجتناب‌ناپذیر است. در پی سفر عبدالله، ولیعهد عربستان به ایران آقای خاتمی نیز در راس یک هیأت عالی رتبه سیاسی و اقتصادی به عربستان سفر کرد و استقبال پادشاه ولیعهد و سایر مقامات عالی رتبه این کشور از وی و هیأت همراه نوید شکوفا شدن روابط میان دو کشور را داد و در واقع به یک رویداد نادر در تاریخ روابط دو کشور تبدیل شد. به دنبال سفر آقای خاتمی رفت‌آمد مسئولین ارشد و نمایندگان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور افزایش یافت و دستاوردهای مثبتی برای هر دو کشور در بر داشت (صدقی، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

بنابراین، در دوره گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی از سوی ایران و کاهش تنش‌ها و بدبینی‌های موجود میان ایران عربستان باعث توسعه روابط در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی میان ایران و عربستان و کاهش برداشت تهدیدآمیز عربستان شد. به طور کلی، در این دوره نیز با کاهش برداشت تهدیدآمیز از انقلاب ایران، راهبرد سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران راهبردی مصالحه‌جویانه بود.

### دوره ششم اصول‌گرایی عدالت محور (۱۳۸۴\_۱۳۹۲)

#### رویکرد نسبت به اهداف فراملی انقلاب اسلامی

در ابتدا به ذکر اهداف و نقش‌های ملی سیاست خارجی ایران بر اساس گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور می‌پردازیم و سپس به تأثیر این اهداف و نقش‌ها در تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ایران می‌پردازیم. گفتمان دولت نهم را براساس تأکید محوری این گفتمان بر موضوع عدالت، می‌توان گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور نامید که دارای چهار دال ((عدالت گستری))، ((مهرورزی))، ((پیشرفت و تعالی مادی و معنوی)) و ((خدمت رسانی)) است که بر حول محور دال مرکزی (ولایت)، مفصل بندی شده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۶).

انقلاب اسلامی ایران در روایت و قرائت اصول‌گرایی عدالت‌محور نیز، ماهیتی اسلامی و فراملی دارد. به گونه‌ای که به طور هم‌زمان دو دسته اهداف و آرمان‌های ملی و اسلامی را پیگیری و ایجاب می‌کند؛ اهداف ملی انقلاب اسلامی، شامل حاکمیت اسلام، استقلال، عدالت، آزادی و مردم سالاری و اهداف فراملی که در برگیرنده آرمان‌هایی چون استکبارستیزی، نفی سلطه-گری و سلطه‌پذیری، وحدت جهان اسلام، حکومت جهانی اسلام، دفاع از مستضعفان و مسلمانان، صلح و عدالت جهانی و تأمین سعادت انسان‌ها است. تفاوت گفتمان اصول‌گرایی با خرده‌گفتمانهای دیگر اسلامی در اولویت‌بندی این دو دسته اهداف و همچنین سلسله مراتب درونی هر یک از آنها است. در گفتمان اصول‌گرایی اولاً، برقراری عدالت در سیاست داخلی و سیاست

خارجی بر سایر اهداف ملی انقلاب اسلامی اولویت و ارجحیت می‌یابد. ثانیاً، در این گفتمان در مقایسه با واقع‌گرایی و صلح-گرایی اهمیت و اولویت بیشتری برای اهداف و آرمان‌های فراملی انقلاب اسلامی قائل است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۸۱).

### سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران

دولت عربستان سعودی از همان روزهای نخست به رویکرد تقابلی سیاست خارجی احمدی نژاد روی خوش نشان نداد. ((ظهور احمدی نژاد برای عربستان به این معنی بود که ایران در حال عقب‌گرد به رادیکالیسم دهه ۱۹۸۰ است، زمانی که ایران در صدد صدور انقلاب خود و مبارزه با نفوذ غرب در منطقه بود)) (گاسیرووسکی، ۲۰۰۷).

روابط ایران و عربستان در زمان احمدی نژاد یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های خود را سپری کرد و همکاری و مرادوات با کشورهای عربی و به خصوص عربستان سعودی تقریباً به صفر رسید. با بالا گرفتن موضوع برنامه هسته‌ای ایران پس از به قدرت رسیدن "محمود احمدی نژاد" دغدغه عربستان سعودی افزایش یافت. سایت افشاگر "ویکی لیکس" گزارش داد که ملک عبدالله در سال ۲۰۰۸ میلادی از امریکا خواسته بود تا به ایران حمله کند و از این موضوع تحت عنوان "لزوم قطع سر مار" یاد کرده بود (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۲۶).

عربستان از وقوع بهار عربی در کشورهایی چون مصر و تونس در هراس بود چرا که بیم آن می‌رفت که موج انقلاب‌های دموکراسی‌خواهانه به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برسد. اعتراضات در بحرین خط قرمز سعودی‌ها محسوب می‌شود چرا که آن کشور در همسایگی ایران قرار دارد و شیعیان آن کشور روابط عمیقی با ایرانیان داشته‌اند نیروهای نظامی عربستان برای کمک رسانی به خاندان آل خلیفه در بحرین به منظور سرکوب قیام مردمی عازم بحرین شدند (آقایی، ۱۳۸۹: ۱۴).

با توجه به اتخاذ دیپلماسی عمومی توسط سیاست خارجی ایران برای ارتباط با ملت‌ها در گفتمان اصول‌گرایی، بیداری اسلامی موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه شد. از سوی دیگر ناکامی عربستان سعودی در گسترش نفوذ خود بر این کشورها، موجب خشم شدید این کشور شد. نگرانی عربستان از کاهش نقش و نفوذ خود در منطقه موجب شد که آن کشور با همکاری برخی دولت‌های منطقه، از جمله دولت قطر، جریان‌ات مخالف رژیم عراق و سوریه و لبنان را مورد حمایت مالی و تسلیحاتی قرار دهد. بر اساس تحولات منطقه‌ای ناشی از بیداری اسلامی، شاهد تصورات متفاوت و درک جدید سعودی‌ها از تهدیدها و ناامنی‌ها در حوزه داخلی و منطقه‌ای هستیم که بازتاب آن را در سیاست خارجی تهاجمی این کشور نسبت به ایران دیده می‌شود. (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳: ۱۲۱). این سیاست خارجی تهاجمی برای حفظ امنیت رژیم این کشور است؛ چرا که با توجه به خیزش‌های مردمی در منطقه و چالش‌های خود، چاره‌ای نمی‌بینند جز اینکه در سیاست خارجی خود فعال عمل کنند. یکی از اقداماتی که سعودی‌ها برای توجیه این سیاست تهاجمی مطرح می‌کنند تهدید منطقه‌ای است. آنها ایران را به عنوان تهدید امنیت منطقه‌ای مطرح می‌کنند بنابراین، تلاش می‌کنند ائتلافی منطقه‌ای علیه ایران ایجاد کنند. در واقع، ترس از رسیدن دومینوی سقوط کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا به عربستان و افزایش بحران داخلی این کشور که در پی آزادی اقصای مختلف عرب از جمله شیعیان ایجاد شده است، مقامات سعودی را برای خشن‌ترین واکنش‌ها در مقابل آنچه تهدید ایران می‌خوانند، آماده کرده است. ارائه اطلاعات غیرواقعی در مورد دخالت ایران در ناآرامی‌های بحرین، اردن، یمن و عربستان و همچنین مسائل مربوط به امور داخلی کویت، مقامات عربستان را در اندیشه ترس از سقوط فرو برده است و این موارد موجب شده است رهبران سعودی بلافاصله به یک قرارداد تسلیحاتی ۶۰ میلیون دلاری با آمریکا ترغیب شوند (میرزائی و حمایتیان، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

سیاست خارجی ایران در این دوره نسبت به دوره‌های قبلی مواجهه جویانه‌تر به نظر می‌رسد و مواضع ایران در قبال موضوعاتی مانند انرژی هسته‌ای باعث ایجاد تنش گردید. همچنین سیاست خارجی ایران در این دوره در پی ارائه الگوی دولت عدل اسلامی به ویژه مسلمانان و مستضعفان است، مهمترین کارکرد و کارویژه جمهوری اسلامی ایران تأمین عدالت و گسترش آن در سطح بین‌المللی است. بر خلاف دولت‌های قبلی که بیشتر توجه خود را معطوف مسئولین و مقامات رسمی کشورها می‌کرد، سیاست خارجی ایران در این دوره ضمن بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی، به ملت‌ها و گروه‌های غیررسمی توجهی ویژه دارد و ملت‌ها را به ظلم ستیزی و مقابله با نظام هژمونیک دعوت می‌کند در مجموع سیاست صدور انقلاب ایران در این دوره ماهیتی

مسالمت‌آمیز و ارزش محور دارد که در آن بر ایجاد جامعه نمونه اسلامی تأکید می‌شود و دولت در تلاش است تا با ابزارهایی مثل دیپلماسی عمومی و استفاده از قدرت نرم و تأکید بر آرمان‌ها و ارزش‌ها و توجه بیشتر به ملت‌ها به ویژه محرومین و مستضعفین پیام انقلاب اسلامی را به گوش جهانیان برساند (دهقانی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

بنابراین، در گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور با افزایش آنچه عربستان سعودی به عنوان تهدید امنیت منطقه‌ای از سوی ایران برداشت می‌کرد سیاست خارجی این کشور نسبت به ایران دچار تغییر و تحول شد و این کشور برای مقابله با آنچه خطر ایران می‌نامید سیاست خارجی تهاجمی را نسبت به ایران در پیش گرفت.

## ۸- بحث و نتیجه‌گیری

در دوره دولت موقت به دلیل اینکه حکومت اهدافی فراملی همچون صدور انقلاب به کشورهای همسایه را برای انقلاب اسلامی ایران متصور نبود و اهداف و آرمان‌های انقلاب را در قلمرو جغرافیایی ایران دنبال می‌کرد حکومت‌های محافظه‌کار منطقه از جمله عربستان سعودی درک و برداشتی تهدیدآمیز را از اجانب انقلاب اسلامی ایران احساس نمی‌کرد. حکومت عربستان سعودی در این دوره به صف دیگر کشورها پیوست و انقلاب ایران را به رسمیت شناخت و سیاست خارجی این کشور نیز نسبت به ایران مسالمت‌آمیز بود. در دوره گفتمان آرمان‌گرایی امت محور با بالا گرفتن شور انقلابی و تلاش ایران برای صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای همسایه ترس و برداشت تهدیدآمیز عربستان سعودی از جمهوری اسلامی ایران افزایش پیدا کرد و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید امنیتی برای عربستان مطرح شد متعاقب افزایش این برداشت توأم با تهدید سیاست خارجی عربستان سعودی نیز نسبت به ایران دچار تغییر و تحول شد و این کشور سیاستی خصمانه و تقابل‌گرایانه را در قبال ایران در پیش گرفت. در دوره تسلط گفتمان مصلحت‌گرایی نیز همانند گفتمان آرمان‌گرایی با اولویت قرار گرفتن صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن با افزایش دوباره برداشت و درک توأم با ترس رهبران سعودی این کشور در سیاست خارجی خود فعال شد و به مقابله با ایران برخاست که نمود آن حمایت همه جانبه این کشور از عراق در تهاجم به ایران بود. دوره گفتمان واقع‌گرایی اسلامی به تبع اتخاذ سیاست تنش‌زدایی از سوی ایران و تلاش برای برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای همسایه به خصوص عربستان سعودی شاهد بهبود و کاهش تنش در روابط میان ایران و عربستان سعودی هستیم؛ به عبارت دیگر، با کاهش تهدید ناشی از انقلاب اسلامی ایران در برداشت و ادراک عربستان، این کشور راهبردی مصالحه‌جویانه را جایگزین راهبردی مقابله‌جویانه در سیاست خارجی خود نسبت به ایران می‌کند. در دوره گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار نیز با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی از سوی ایران و کاهش تنشها و بدبینی‌های موجود میان ایران عربستان باعث توسعه روابط در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی میان ایران و عربستان شد. به طور کلی، در این دوره نیز با کاهش تهدید از سوی انقلاب ایران در برداشت عربستان از ایران راهبرد سیاست خارجی عربستان نسبت به ایران راهبردی مصالحه‌جویانه می‌باشد؛ اما در دوره گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور با افزایش آنچه عربستان سعودی به عنوان تهدید امنیت منطقه‌ای از سوی ایران می‌دانست سیاست خارجی این کشور نسبت به ایران دچار تغییر و تحول شد و این کشور برای مقابله با آنچه خطر ایران می‌نامید سیاست خارجی تهاجمی را نسبت به ایران در پیش گرفت.

به طور کلی در ۳۷ سال گذشته تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان در دوره‌های زمانی مختلف نه ناشی از اقدامات تهدیدآمیز ایران بلکه ناشی از برداشت و ادراک عربستان سعودی از ایران به عنوان یک تهدید امنیتی بوده است. برداشتها و ادراکاتی که به نظر می‌رسد عامدانه از سوی عربستان سعودی برای جبران ضعف و ناکامی‌های خود برجسته شده است و در راستای آن عربستان دست به اقدامات خصمانه‌ای علیه ایران زده است به بیانی دیگر فهرست اقدامات عملی عربستان علیه ایران به اندازه‌ای زیاد است که به هیچ وجه با میزان اقدامات عملی تهدیدآمیز ایران علیه عربستان قابل قیاس نیست.

عربستان سعودی در این سالها با برجسته کردن این برداشت و درک تهدیدآمیز از ایران افکار عمومی شهروندان خود از روند کند اصلاحات داخلی در این کشور منحرف کرده است در عرصه خارجی نیز عربستان تلاش کرده است با برجسته کردن تهدید



ایران، آمریکا و دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای را برای مقابله با آنچه تهدید ایران می‌داند بیشتر به سوی مسائل امنیتی منطقه بکشاند تا چشم از مسائلی همچون دموکراسی و حقوق بشر در این کشور بردارند.

همانطور که می‌بینیم فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه برداشت و ادراک تهدیدآمیز از ایران از سوی عربستان باعث تغییر و تحول سیاست خارجی این کشور نسبت به ایران شده است درست است چرا که در گفتمانهای مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با برجسته شدن و یا کم رنگ شدن این برداشت تهدیدآمیز از ایران سیاست خارجی عربستان سعودی نیز دچار تغییر و تحول شد.

نکته مهمی که در پایان باید به آن اشاره کرد این موضوع است که نوع برداشتها و متعاقب آن کنش‌های عربستان براساس این برداشتها و ادراکات در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به عنوان معیاری برای سنجش میزان تطابق و سازگاری سیاست خارجی دولت‌های مختلف با اصول و مبانی انقلاب اسلامی ایران همانند صدور انقلاب، حمایت از مستضعفان و کمک به جنبش‌های آزادیبخش باشد.

### جدول ۱. جمع‌بندی

گفتمان	برداشت و ادراک	تغییر و تحول سیاست خارجی	تطابق با مبانی انقلاب اسلامی
گفتمان ملی‌گرایی (۱۳۵۷-۱۳۶۰)	عدم صدور انقلاب و عدم تهدید برای عربستان	سیر عادی روابط ایران و عربستان	عدم تطابق با مبانی انقلاب اسلامی
گفتمان آرمان‌گرایی امت‌محور (۱۳۶۳-۱۳۶۸)	شور انقلابی، پیروزی‌های ایران در جنگ، تلاش برای صدور انقلاب، تأسیس دفتر جبهه آزادیبخش شبه جزیره عربستان در تهران و تهدید برای عربستان	تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با ایران و حمایت همه جانبه از عراق	تطابق با مبانی انقلاب اسلامی
گفتمان مصلحت‌گرایی مرکز محور (۱۳۶۳-۱۳۶۸)	با وجود جنگ، صدور انقلاب، ورود ایران به خاک عراق، تقابل با کشورهای حامی عراق از جمله عربستان سعودی و افزایش تهدید برای عربستان	تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان حمایت همه جانبه از عراق، کشتار حجاج ایرانی، سیاست خارجی تقابل گرایانه عربستان	تطابق با مبانی انقلاب اسلامی
گفتمان واقع‌گرایی اسلامی (۶۸-۷۶)	اتخاذ سیاست تنش زدایی و عدم تهدید برای عربستان	تغییر و تحول سیاست خارجی عربستان از راهبرد مقابله جویانه به راهبرد مصالحه جویانه	فاصله گرفتن از مبانی و اصول انقلاب اسلامی و تقدم توسعه اقتصادی بر صدور انقلاب
گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار (۷۶-۸۴)	ادامه سیاست تنش زدایی، کاهش تنش و تهدید برای عربستان	روابط مسالمت آمیز، توسعه چشمگیر روابط سیاسی و اقتصادی، نقطه عطف همکاری	فاصله گرفتن از مبانی و اصول انقلاب اسلامی و تقدم توسعه سیاسی بر صدور انقلاب
گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور (۸۴-۹۲)	سیاست ارتباط با ملل تحت سلطه، افزایش قدرت و نفوذ ایران، افزایش تهدید در بالاترین حد ممکن برای عربستان	سیاست خارجی خصمانه نسبت به ایران، افزایش تنش در بالاترین حد ممکن	تطابق با مبانی انقلاب اسلامی و بازگشت دوباره به مبانی انقلاب

## منابع

۱. آقای، سید داوود. (۱۳۹۴)، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: میزان.
۲. آقای، سید داود. احمدیان، حسن. (۱۳۸۹). روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ چالش های بنیادین و امکانات پیش رو، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳، صفحات ۱۹-۱.
۳. آقای، سید داوود. (۱۳۸۵). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ هشت ساله (با نگاهی به جایگاه جامعه اروپایی در این سیاست)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۳.
۴. ایزدی، حسن. دبیری، علی اکبر. (۱۳۹۱)، ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک\_سال نهم، شماره اول، صص ۱۲۶-۹۱.
۵. امام جمعه زاده، سید جواد و همکاران. (۱۳۸۹)، شورای همکاری خلیج فارس در میان ژئوپلیتیک سلطه و ژئوپلیتیک مقاومت، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۱.
۶. ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس
۷. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۹)، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۸). مؤلفه های سیاست خارجی در گفتمان اصولگرایی عدالتخواه، حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره چهارم.
۹. احتشامی، انوشیروان. (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی: اقتصاد، دفاع و امنیت، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. افراسیاب پور، حامد. (۱۳۹۳). تحلیل پوشش های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۸.
۱۱. اسدی، بیژن. (۱۳۷۹)، ایران و خلیج فارس: سیاست تنش زدایی، گفتگوی تمدن ها، مناسبات جدید و صلح و امنیت منطقه، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۴.
۱۲. برچیل، اسکات و همکاران. (۱۳۹۱)، نظریه های روابط بین الملل، ترجمه مشیرزاده، حمیرا، طالبی آرانی، روح الله، تهران، نشر میزان.
۱۳. ترابی، طاهره. (۱۳۸۹). تنش زدایی نامتوازن در سیاست خارجی ایران ۸۸-۱۳۶۷، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم.
۱۴. ترابی، قاسم. (۱۳۹۱). شورای همکاری خلیج فارس و برنامه هسته ای ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم شماره سوم.
۱۵. تاجیک، محمدرضا. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۲). الگوهای صدور انقلاب در گفتمان های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد، شماره ۲۷.
۱۶. جانسیز، احمد؛ و همکاران (۱۳۹۳). رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲۷-۹۲.
۱۷. جمیری، محمد. (۱۳۸۹). بررسی و تبیین نقش فرمانطقه ای ایالات متحده آمریکا در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پس از یازده سپتامبر، کد ۱۳۸۲، دانشگاه امام صادق (ع)، صفحات ۱۳۶-۱۵۸.
۱۸. حافظ نیا، محمد رضا. رومینا، ابراهیم. (۱۳۸۴). تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷.

۱۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال. رادفر، فیروزه. (۱۳۸۸). الگوی صدور انقلاب در دولت نهم، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول.
۲۰. دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۸۶). گفتمان اصول گرایی عدالت محور در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد، دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۵.
۲۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۴). تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه روزنامه ایران.
۲۲. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۲۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۴). اصول و مبانی روابط بین الملل (۱)، تهران: انتشارات سمت.
۲۴. دبیرزاده، شهریار (۱۳۸۲)، تأثیر گفتگوی تمدن ها بر سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره یک.
۲۵. درویشی، فرهاد. صحرائیان، عبدالمجید. (۱۳۹۱). واکاوی سیاست خارجی جمهوری ایران در دوران جنگ (با تأکید بر نظریه تصمیم گیری)، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال اول، شماره ۴.
۲۶. سادات عظیمی، رقیه. (۱۳۷۵). کتاب سبز عربستان، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۷. رضائی، روح الله (۱۳۸۰). چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهرانک نشر نی.
۲۸. سلیمانی، رضا. تاجیک. محمدرضا. (۱۳۸۱)، سیاست خارجی دولت خاتمی (دیپلماسی تنش زدایی و گفتگوی تمدن ها (۱۳۸۴) \_ (۱۳۷۶))، تهران: انتشارات کویر.
۲۹. شاهوردی، حسن. (۱۳۹۳). تأثیر تقابل ایدئولوژیک بر روابط سیاسی ایران و عربستان از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۳۰. صدقی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۱. صدقی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). سیاست خارجی دولت خاتمی (۱۳۸۴ \_ ۱۳۷۶)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۲. طبری، نقی، (۱۳۸۱). نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل گیری و استمرار شورای همکاری خلیج فارس، سال پنجم، شماره بیستم، صص ۱۰۴ \_ ۹۱.
۳۳. طباطبایی، سید محمد. جویباری، محمد یوسفی. (۱۳۹۴). الگوی شکل گیری روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران از دوره بازرگان تا دوره خاتمی (۱۳۸۴ \_ ۱۳۵۷). فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره بیست و چهارم، صص ۸۸ \_ ۵۹.
۳۴. قلی زاده، سید ابراهیم. بادینلو، هادی. (۱۳۹۳). تأثیر ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی ایران بر سیاسی شدن شیعیان عربستان، فصلنامه علمی \_ پژوهشی شیعه شناسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صفحات ۱۴۱ \_ ۱۶۴.
۳۵. کوهکن، علیرضا. تجری، سعید. (۱۳۹۳). بحران سوریه و سیاست منطقه ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴). فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، (شماره پیاپی ۴۰).
۳۶. کلوید، فوییه. (۱۳۶۹). آل سعود، ترجمه نورالدین شیرازی، تهران: نشر فراندیش.
۳۷. کریمی فرد، حسین. (۱۳۹۴). بررسی سیاست خارجی بازرگان براساس مولفه های هویت ملی، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۱۵ \_ ۷۷.
۳۸. کاظمی، سید آصف. (۱۳۸۹)، بررسی زمینه های سیاسی \_ اجتماعی شکل گیری طالبان در پاکستان، سخن تاریخ، شماره هشتم.
۳۹. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۱)، تحول در نظریه های روابط بین الملل \_ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

۴۰. لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه های موازنه قوا، ترجمه: غلامعلی چگنی زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۴۱. میرزائی، جلال. حمایتیان، احسان و دیگران، (۱۳۹۳). تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۱۷۹-۱۵۱.
۴۲. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره دو.
۴۳. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۴. منصوری مقدم، محمد. (۱۳۹۱). مؤلفه هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۷۲، صص ۱۰۰-۷۷.
۴۵. متقی، افشین. (۱۳۹۴). واکاوی زمینه های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه انگاری، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲، صفحات ۱۴۲-۱۶۱.
۴۶. موسوی، سید محمد. بخشی تلیابی. (۱۳۹۱). تأثیر مسایل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره یازدهم، صفحات ۶۱-۹۹.
۴۷. نادری نسب، پرویز. (۱۳۸۹). چالش های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، صص ۳۳۶-۳۱۵.
۴۸. واعظی، محمود. (۱۳۸۷). روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل، فصلنامه میقات حج، سال شانزدهم، شماره ۶۶.
۴۹. هرسیج، حسین و دیگران. (۱۳۹۳). روابط کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و ایران از منظر منطقه گرایی، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۸، صفحات ۱۰-۳۸.
۵۰. هراتی، محمد جواد و همکاران. (۱۳۹۴). بازتاب نظم سیاسی جدید عراق بر روابط دوجانبه ایران و عربستان، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۱۹۶-۱۴۹.
۵۱. هادیان، حمید. (۱۳۸۵). در پرتو شرایط جدید منطقه کاوشی در روابط ایران و عربستان سعودی، فصلنامه راهبرد، شماره سی و نهم.
۵۲. یزدانی، عنایت الله. اخجسته، جمیل (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی ((صدور انقلاب در گفتمان های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، صفحات ۸۶-۵۹.
۵۳. نیومن، ویلیام لاورنس. (۱۳۹۴). شیوه های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ترجمه حسن دانایی فرد و سید حسین کاظمی. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۵۴. نبوی، سید مرتضی، (۱۳۸۳)، بازخوانی از دیپلماسی ایران در جمهوری دوم سیاست خارجی ایران در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۳.

55. Alvandi, R, (2012), Nixon, Kissinger, and the Shah: The Origins of Iranian Primacy in The Persian Gulf, Diplomatic history.

56. Ariel, Jahner, (2012), Saudi Arabia And Iran: The Struggle For power and Influence in the Gulf, International Affairs Review, pp 38\_ 50.

57. Ekhtiari. A.R. Hasnita B. Samsu K. and Gholipour Fereidouni. H. (2013), The Haji And Iran Foreign policy Towards Saudi Arabia, Journal of Asian and African Studies 46(678), Retreved 22 August 2013.

58. Shahram Chubin, Charles Tripp, (1996), *Iran-Saudi Arabia Relations and Regional Order: Iran and Saudi Arabia in the Balance of Power in the Gulf*, Oxford University Press for the International Institute for Strategic Studies, 1996 - Political Science - 88 pages
59. William B. Quandt, (1982), *Saudi Arabia in 1980: foreign policy, security, and oil*, *Washington Report on Middle East Affairs*, May 17, 1982, Page 7
60. Behrouze Souresrafil, *The Iran\_ Iraq War*, Gardian, 1989.
61. Sepeher Zabih, *Iran Since the Revolution*, Johns Hopkins University Press, 1982.
62. Amuzegar, Jahangir (1998); *khatamis iran one year later, middle east policy*, vol VI, no2, October pages 76-94.
63. Mark Gasiorowski (Summer 2007), "*The New Aggressiveness in Iran s Foreign Policy*," In *Middle East Policy*, Vol.XIV, No.2.
64. Stephen, Walt. (1998), *International Relations: One World, Many Theories*, *Foreign Pogicy*, No. 110, pp. 29\_ 46.
65. Ikenberry, G. john, and Stephen, Walt. (2007) *Offshore Balancing or international Institutions? Foreign Policy*, pp. 13\_23.

# Changing Saudi Arabia foreign policy toward Islamic Republic of Iran (1980\_ 2014)

Fatemeh mohammadi, Farshid farhadi

*Ph.D. in International Relations, Visiting Assistant Professor and Researcher, Tehran, Iran*

*MA Student at University of Tehran, Tehran, Iran*

---

## Abstract

The purpose of this study is the analysis of changes in foreign policy of Saudi Arabia against Islamic Republic of Iran. The question posed here is that what has caused Saudi Arabia's foreign policy to change toward Iran since 1980 until now? The supposition on which this study is based is that based on Walt's Balance of threat Theory, according to discourses governing on foreign policy of Islamic Republic of Iran and their approaches concerning to transnational purposes of Iran such as issuance of Islamic Revolution, supporting indigents, and taking the side of Liberation movements due to increase or decrease in security threats from GAA Iran to Saudi Arabia, because of increase of decrease in these security threats from Iran to Saudi Arabia, its foreign policy has been subjected to change during different periods. Test procedure in present study is historical-comparative approach.

**Keywords:** foreign policy, Iran, Saudi Arabia, discourses, balance of threat.

---